

نظرات یکی از اساتید دلسوز کشور در خصوص

ابعاد اجتماعی و فرهنگی بحران های منابع طبیعی و محیط زیستی

هر چند گوش شنوایی وجود ندارد و صحبتها هیچ نتیجه ای ندارد و

دانشگاه ها و مراکز علمی و پژوهشی نقش چندانی در سیاستگذاری و اجرا ندارند ولی

طی چند دهه گذشته، تلاش های زیادی شده و حرفهای زیادی زده شده ولی چندان تاثیر و نتیجه ای نداشته است.

بحران اصلی:

در کشوری که سابقه طولانی تمدن دارد. بنظر میرسد که از نظر مدیریت سرزمین و مدیریت آب و خاک و جنگل و مرتع، بحران فرهنگی و اجتماعی (ضعف انسجام اجتماعی، مشارکت و همکاری) وجود دارد.

ارزش واقعی هوا و آب را نمیدانیم.

برای منابع حیاتی خاک اصلا ارزشی قابل نیستیم

فرسایش خاک یعنی از دست رفتن ثروت ملی

لزوم شناسایی و ارزشگذاری کارکردهای مختلف اکوسیستم ها

آیا دانشگاه ها مقصردند؟ آیا دانشجویان مقصردند؟ (بدلیل تحصیل در رشته ای که چندان پول ساز نیست!)

بعضی از چالشهای موجود عبارتند از:

- ۱- سودجویی فردی خیلی قوی است و باید کنترل شود. با فرهنگ سازی و حکومت قانون (رفاه عمومی مهم است)
- ۲- بی اطلاعی و ناآگاهی عمومی و کم توجهی به منابع طبیعی و محیط زیست
- ۳- اشتغالزایی ناپایدار و کم توجهی به ارزشهای غیربازاری و غیرتجاری اکوسیستمها
- ۴- توجه به منافع زودبازده و کوتاه مدت (بازگشت سریع سرمایه چون ارزش پول خیلی سریع کم میشود)
- ۵- صنایع فولاد یارانه برق و آب مصرف می کنند و کارگر ارزان ولی فروش به قیمت جهانی (سود زیاد)
- ۶- توجه به کارهای دلالی و واسطه گری و ساخت و ساز (ارزش افزوده ساختمان سازی)
- ۷- ضعف در همکاری و ایجاد تشکل
- ۸- ضعف در همکاری مردم و مسئولین (بی اعتمادی دوطرفه). انتظار این است که مردم رأی بدهند و مسئولین را انتخاب کنند ولی بعدش کنار بایستند و مطالبه ای نداشته باشند (اکثر وعده های انتخاباتی که محقق نمیشوند)
- ۹- بدون مشارکت مردم، هیچ کاری درست اجرا نمیشود. با دستور و فشار کار پیش نمی رود. تعامل لازم است!
- ۱۰- لزوم افزایش سطح آگاهی مردم و مسئولین و توجه به اقدامات آموزشی و ترویجی و فرهنگ سازی در خصوص نقش و اهمیت منابع طبیعی و محیط زیست (و پیشگیری از تخریب سرزمین و منابع حیاتی آن)

- ۱۱- لزوم توجه به جامع نگری. ضعف نظام آموزش عالی (اجتناب از نگاه تک بُعدی مهندسین)
- ۱۲- مسئولیت حفظ سرزمین با کیست؟ آیا دانش مورد نیاز فراهم است؟ آیا آگاهی عمومی وجود دارد؟
- ۱۳- افزایش بی رویه جمعیت (مشکلات ناشی از واردات محصولات غذایی و نهاده های دامی و کشاورزی)
- ۱۴- تخریب منابع طبیعی سودآور است. تغییر کاربری اراضی و تصاحب اراضی ملی (در گذشته به بهانه احیاء اراضی موات). مرتع خیلی غنی است از نظر گونه های گیاهی. معدنکاوی (عامل تخریب عرصه های طبیعی) خیلی سود دارد.
- ۱۵- مصرف بی رویه سم در گلخانه ها و آلوده نمودن آبهای زیرزمینی (گلخانه ۱۰ هکتاری مقرون به صرفه است و نه احداث واحدهای گلخانه کوچک به بهانه صرفه جویی در آب) آبیاری بارانی هم سبب تبخیر آب میشود و مفید نیست.
- ۱۶- مشکلی که در طی چند دهه بوجود آمده (نظیر بحران آب) در کوتاه مدت حل نمیشود.
- ۱۷- متأسفانه تغییر کاربری و تخریب سرزمین از نظر مردم عادی، جرم محسوب نمیشود (اثرات سوء جانبی)
- ۱۸- بعضاً انتخاب و انتصاب مدیران نامناسب و ناکارآمد (ضعف در نظام شایسته سالاری)
- ۱۹- مدیریت ناپایدار و کوتاه مدت و عدم پاسخگویی مدیران (بعضاً فرافکنی مدیران و عدم مسئولیت پذیری)
- ۲۰- ساختار اداری بخش منابع طبیعی درست نیست (منابع طبیعی، حیات خلوت بخش کشاورزی است)
- ۲۱- مسئول یعنی کسی که میتوان از وی سؤال کرد (ولی بعضی از مسئولین ما پاسخگو نیستند) و از سؤال و انتقاد، ناراحت میشوند.
- ۲۲- خودشیفتگی و توهم دانایی و جوگیر شدن بعضی ها
- ۲۳- ناآشنایی اکثریت ما با شیوه انتقاد سازنده (توهین و فحاشی و نق زدن بجای انتقاد سازنده)
- ۲۴- در بعضی موارد، تشکل های اجتماعی و صنفی را به رسمیت نمی شناسند.
- ۲۵- قدرت زیاد و سوء استفاده لابی ها و مافیایها (اعمال نفوذ در بعضی تصمیم گیری ها)
- ۲۶- کم توجهی به توسعه پایدار (توسعه پایدار از فرهنگ و اجتماع شروع میشود)
- ۲۷- می بایست آموزش و پژوهش انتزاعی نباشد بلکه باید به درد اجتماع بخورد (کاربردی باشد)
- ۲۸- لزوم تلفیق علوم انسانی، اجتماعی و سیاسی با علوم منابع طبیعی و محیط زیست
- ۲۹- لزوم توجه به سرزمین و آمایش سرزمین و اصول و مبانی پایداری و تاب آوری منابع طبیعی